



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ذکر نام امام زمان (عج)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ذکر نام امام زمان (عج)

نویسنده:

علی صدرایی خویی

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ذکر نام امام زمان (عج)
۶	مشخصات کتاب
۶	ذکر نام امام زمان
۱۱	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ذکر نام امام زمان (عج)

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۳-۳۲۸۱۹

سرشناسه: صدرایی خویی علی عنوان و نام پدید آور: ذکر نام امام زمان ع / صدرایی خویی علی منشا مقاله: ، موعود، ش ۴۶، شهریور ۱۳۸۳): ص ۶۶ - ۷۱.

توصیفگر: کتاب مسایل و رسایل توصیفگر: نراقی احمد بن محمد مهدی توصیفگر: محمد بن حسن عجم، امام دوازدهم توصیفگر: اسم توصیفگر: احادیث

ذکر نام امام زمان

ملا احمد نراقی و پدرش ملا مهدی نراقی را از متفکران بزرگ شیعه در سده دوازدهم و سیزدهم هجری می‌شمارند. برای پاسداشت خدمات علمی این دو دانشمند فرزانه، کنگره‌ای در اوایل خرداد ماه ۱۳۸۱ ش. در شهرهای قم، کاشان و نراق برگزار گردید. از آثار پر برکت این کنگره انتشار تعدادی از آثار علمی این بزرگان بود که از جمله آنها کتاب ارزشمند مسایل و رسایل ملا احمد نراقی است. در این کتاب سؤلهایی که از محضر نراقی، پرسیده شده و او به آنها پاسخ داده، توسط شاگرد نراقی جمع آوری شده است. این کتاب در سه جلد منتشر شده، که دو جلد اول مشتمل بر سؤال و جوابهای فقهی و جلد سوم شامل سؤال و جوابهای اعتقادی و متفرقه است. در این جلد مسایل مهمی که در آن عصر مورد توجه مسلمانان و شیعیان بوده از نراقی سؤال شد و او با توجه به احاطه قابل توجهی که در علوم اسلامی داشته، جوابهای دقیق، علمی و روشنگرانه به سؤالات طرح شده داده است. از جمله این سؤالات دو سؤال درباره امام زمان (ع) است. در این دو سؤال درباره جواز یا حرمت ذکر نام امام زمان (ع) در عصر غیبت و هم چنین افضلیت امام زمان (ع) بر دیگر ائمه (ع)، از نراقی پرسش شده، و نراقی با استناد به آیات و روایات، به این سؤالات پاسخ داده است. در اینجا یکی از این دو سؤال مذکور را، که امروزه نیز مورد توجه و سؤال مؤمنان و شیعیان است، از کتاب مسایل و رسایل، استخراج و بدون هیچ گونه تصرفی تقدیم ارباب معرفت می‌داریم. ناگفته پیداست که ما در این باره مدیون مصحح محترم کتاب مسایل و رسایل هستیم که زحمت طاقت فرسای قرائت نسخه‌های کتاب و تصحیح و استخراج مصادر را به عهده گرفته، و زمینه انتشار این کتاب گرانسنگ را فراهم آورده‌اند. شایان ذکر است که مسئله اول؛ یعنی جواز یا حرمت ذکر نام امام زمان (ع) از جمله مسایلی است که پیوسته مورد بحث بین دانشمندان شیعه بوده است. در این باره عالم فرزانه محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی معروف به میرداماد (متوفی به ۱۰۴۰ ق.)، کتاب شرع التسمیه [۱] را نگاشت و در آن حرمت ذکر نام امام زمان (ع) را در زمان غیبت اثبات نمود. پس از آن محدث جلیل شیخ محمد بن حسن عاملی مشهور به شیخ حر عاملی (متوفی به ۱۱۰۴ ق.) کتاب کشف التعمیه فی جواز التسمیه [۲] را تألیف، و در آن جواز یاد کردن نام مبارک آن حضرت را، اثبات نموده است. نراقی در این جواب، ابتدا احادیث وارد شده در موضوع را ذکر نموده و پس از بررسی آنها نتیجه می‌گیرد که مضمون و دلالت این اخبار حرام بودن ذکر نام آن حضرت را دارند و عنوان می‌کند که علمای بزرگ شیعه مانند شیخ صدوق و مرحوم کلینی و فیض کاشانی نیز همین نظر را داشته‌اند. با هم متن سؤال و جواب نراقی را در این زمینه می‌خوانیم: سؤال: در بعضی از کتب شیعه مذکور است که در زمان غیبت حضرت صاحب الامر (ع) نام مبارک یا کنیه آن جناب را بردن خوب نیست، و نهی وارد شده، سبب چیست؟ جواب: بلی، در این خصوص احادیث معتبره به حد استفاضه، بلکه به نزدیک تواتر معنوی وارد شده، و ما در اینجا چند حدیث را ذکر و بعد از آن حقیقت حال را بیان می‌کنیم. اول: روایت داود بن قاسم جعفری است که در کتاب کافی مروی است از حضرت امام علی نقی (ع)

که فرمود: الخلف من بعدی الحسن ابنی، فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم جعلنی الله فداک؟ لأنکم لاترون شخصه، ولا یحلّ لکم ذکره باسمه، فقلت له: فکیف نذکره؟ فقال قولوا الحیة من آل محمد، صلی الله علیه وآله. جانشین پس از من پسر من حسن است. چه [اوصافی] پس شما با جانشین جانشینم چگونه خواهید بود؟ پرسیدم: چطور، به فدایتان شوم؟ فرمودند: چون او را نخواهید دید و مجاز به بردن نام او نیستید. پرسیدم: پس چگونه از ایشان یاد کرده و نام ببریم؟ فرمودند: بگویند حجت آل محمد (ص). [۳]. دوم: صحیح ابن رثاب از حضرت امام صادق (ع) مرویه در کافی، و در کتاب کمال الدین که فرمودند: صاحب هذا الأمر لا یسمی به باسمه إلا کافر. [نام صاحب این امر را تنها کافر بر زبان می‌راند]. سوم: مؤثقه ریان بن صلت از حضرت امام رضا (ع) مرویه در کافی نیز: یقول و سئل عن القائم: فقال لا یری جسمه ولا یسمی اسمه. [از او درباره قائم پرسیده شد. فرمود: جسمش دیده نمی‌شود و نامش برده نمی‌شود]. چهارم: صحیح عبدالله بن جعفر حمیری مرویه در کافی نیز، و حدیث طویل آن است، و در آن سؤال شده است از حضرت امام حسن عسکری (ع) که مطالبی دارم از که سؤال کنم؟ فرمود: عمری و پسر او که این دو ثقه و امینند. پس راوی می‌گوید که سؤال کردم از شیخ بزرگوار جلیل عمری و کیل حضرت صاحب الامر (ع) که: أنت رأیت الخلف من بعد ابی محمد، علیه السلام؟ فقال: ای والله و رقبته مثل ذا، و أومأ بیده، فقلت له: فبیت مسأله واحده، فقال لی: هات. قلت: والاسم؟ قال: محرم علیکم أن تسألوا عن ذلك، ولا أقول هذا من عندی، فلیس لی أن أحلّ ولا أحرم، ولكنّه عنه، علیه السلام. فإن الأمر عند السلطان أن أبا محمد مضی ولم یخلف ولداً - الی أن قال: - و إذا وقع الاسم وقع الطلب، فاتقوا الله وأمسکوا عن ذلك. [آیا جانشین ابومحمد علیه السلام را دیده‌ای؟ گفت: آری به خدا و گردنش چنین بود و با دست اشاره کرد. به او گفتم: یک مسأله دیگر هم باقی مانده است. گفت: بپرس. گفتم: نام ایشان؟ گفت: بر شما حرام است که از آن بپرسید و این را از جانب خودم نمی‌گویم، چرا که در شأن من حلال و حرام کردن امور نیست و این مطلب از خود ایشان است. امر چنین بر سلطان مشتبه شده که امام عسکری (ع) بدون فرزند از دنیا رفته است... وقتی که اسم معلوم شود طلب به دنبالش می‌آید پس تقوای الهی پیشه کرده و از آن چشم‌پوشی کنید]. پنجم: روایتی که شیخ صدوق به سند متصل در کتاب کمال الدین و تمام النعمه از عبدالله بن ابی یعفر روایت نموده که می‌گوید: از حضرت صادق (ع) سؤال کردم: فقلت: یا سیدی و من المهدی من ولدک؟ فقال: الخامس من ولد السابع، یغیب عنکم شخصه، ولا یحلّ لکم تسميته. [گفتم: سرورم؛ مهدی کدام فرزند شماست؟ فرمودند: پنجمین از هفتمین [امام] که از شما غایب می‌شود و بردن نام او برای شما جایز نیست]. و در باب دیگر این کتاب این حدیث را روایت کرده و به جای «عنکم» و «لکم» «عنهم» و «لهم» فرموده است. ششم: روایتی که صدوق در کتاب غیبت و به سند متصل از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت کرده که فرمود: سأل عمر أمير المؤمنين (ع) عن المهدي فقال: یابن ابی طالب أخبرنی عن المهدي ما اسمه؟ قال، علیه السلام: «أما اسمه فلا، لأنّ حیبی و خلیلی عهد إلیّ أن لا أحدث باسمه حتّی یبعثه الله عزّوجلّ...». [عمر از امیرالمؤمنین (ع) درباره مهدی چنین پرسید: ای فرزند ابوطالب به من بگو که نام مهدی چیست؟ حضرت هم پاسخ فرمودند: اسمش را نه [نمی‌گویم] چرا که حیب و دوستم [رسول الله] با من عهد کرد که تا پیش از ظهورش نام او را فاش نسازم]. هفتم: تویع رفیعی است که به محمد بن عثمان عمری رسیده، و در کتاب غیبت شیخ و کمال الدین صدوق مروی است: قال: خرج تویع بخطّ أعرفه: من سمّانی فی مجمع الناس باسمی فعليه لعنة الله. [گفت: تویعی با خطی آشنا برایم صادر شد که هر کس در جمع مردم [۳] مرا به نام بخواند، لعنت خدا بر او باد]. هشتم: تویعی دیگر است که در دو کتاب مذکور منقول است از علی بن عاصم کوفی: یقول: خرج فی تویعات صاحب الزمان: ملعون ملعون من سمّانی فی محفل من الناس. [می‌گوید از جمله تویعات صاحب الزمان (ع) چنین است: ملعون است ملعون هر که نام مرا در جمع مردم ببرد]. نهم: روایت طویلی است که صدوق در کتاب کمال الدین به سند متصل از حضرت جواد روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین و امام حسن (ع) و سلمان فارسی در مسجد بودند که خضر داخل شد و سخنانی چند مذکور کرد، و همه ائمه را شمرد تا به امام حسن عسکری رسید، پس فرمود: و أشهد علی رجل من ولد الحسن لا یکتّی ولا یسمّی حتّی یظهر أمره،

فیملأها عدلاً كما ملئت جوراً، والسَّلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمۃ اللّٰه و برکاته، ثمّ قام فمضى. [شهادت به مردی از فرزندان امام حسن [عسکری] می‌دهم که به کنیه و نام خوانده نمی‌شود تا این که امرش ظاهر شود و [به دنبال آن]، [زمین را] همانگونه که آکنده از جور شده مملو از عدالتش کند و سلام بر تو ای امیر مؤمنان و رحمت و برکات او. سپس برخاست و رفت.] و همین روایت را صاحب کافی به سند صحیح از حضرت جواد (ع) روایت کرده است. دهم: روایتی است که در کتاب کمال‌الدین به سند متصل از عبدالعظیم حسنی منقول است که گفت: به خدمت امام علی نقی (ع) رسیدم. قال: فلما بصر بی قال: مرحباً بک یا أبا القاسم - الی أن قال: - و من بعدی الحسن ابنی، فکیف للناس من بعده؟ قال: فقلت: و کیف ذلک یا مولای؟ قال: لأنّه لا یری شخصه ولا یحلّ ذکره باسمه حتّی یرج فیملأ الأرض قسطاً و عدلاً الحدیث. [وقتی به من نگاه کرد فرمود: مرحباً بر تو ای ابوالقاسم... پس از من فرزندم حسن [امام] است و مردم پس از او چه خواهند کشید؟ پرسیدم: چطور مولای من؟ فرمود: چرا که او دیده نمی‌شود و بردن نامش مجاز نیست تا زمانی که قیام کند و زمین را آکنده از قسط و عدالت کند.] یازدهم: روایتی است که در کتاب کمال‌الدین به سند متصل از عبدالعظیم حسنی نقل کرده که به خدمت امام محمد تقی (ع) رسیدم و عرض کردم: ائی لأرجو أن تكون القائم من أهل بیت محمّد الذی یملاء الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، فقال: یا أبا القاسم ما منّا إلاّ و هو قائم بأمر اللّٰه عزّوجلّ و هاد الی دینه، ولكنّ القائم الذی یتهرّ اللّٰه به الأرض هو الذی تخفی علی الناس ولادته و یغیب عنهم شخصه، و یحرم علیهم تسميته، و هو سمی رسول اللّٰه، صلی اللّٰه علیه و آله، الحدیث. [امیدوارم شما همان قائم اهل بیت باشید که زمین را آکنده از قسط و عدالت می‌کند همان گونه از ظلم و جور برگشته بود. حضرت فرمودند: ای ابوالقاسم! هر کدام از ما قائم به امر خدا و هدایت کننده به سوی دین اوست لیکن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را پاک و مطهر می‌سازد کسی است که پنهان از چشم مردم به دنیا می‌آید و از دیدگان آنها مخفی است. نام بردن از او بر مردم حرام است در حالی که او همان رسول اللّٰه (ص) می‌باشد.] دوازدهم: روایت احمد بن زیاد که در کتاب کمال‌الدین است از حضرت موسی (ع) و در آخر آن در وصف حجّت می‌فرماید: الذی یخفی علی الناس ولادته ولا یحلّ لهم تسميته حتّی یرجّه اللّٰه عزّوجلّ. الحدیث. [کسی که ولادتش از مردم مخفی است و نام بردن از او تا پیش از ظهورش مجاز نیست.] سیزدهم: روایت صفوان بن مهران مروّیه در کمال‌الدین از حضرت صادق (ع) می‌گوید: قیل له یابن رسول اللّٰه من المهدی من ولدک؟ قال: الخامس من ولد السابع، یغیب عنکم شخصه ولا یحلّ لکم تسميته. [به ایشان عرض شد که یابن رسول اللّٰه مهدی کدام فرزند شماست؟ فرمودند: پنجمین [امام] از نسل هفتمین [امام] از دیدگانتان پنهان می‌شود و مجاز به بردن نامش نیستید.] چهاردهم: روایت ابی خالد کابلی از حضرت امام محمد باقر (ع) مروّیه در بحار الانوار: قال: دخلت علی محمد بن علی الباقر، علیه السلام، فقلت: جعلت فداک، قد وصف لی ابوک صاحب هذا الأمر بصفه لو رأیته فی بعض الطرق لأخذت بیده. قال: فترید ما ذا؟ قلت: أرید أن تسمیة لی حتّی أعرفه باسمه. فقال: سألتنی یا أبا خالد عن سؤال مجهد، ولقد سألتنی عن أمر لو كنت محدثاً به أحداً لحدّثتک. [خدمت حضرت امام محمد باقر (ع) شرفیاب شدم و عرض کردم: فدایتان کردم. پدرتان صاحب این امر را با صفتی برای من توصیف کردند که اگر او را در راهی بینم دستش را می‌گیرم [او را به خوبی خواهم شناخت]. حضرت فرمودند: حالا چه می‌خواهی؟ گفتم: می‌خواهم که برای من نام ایشان بگویید تا ایشان را به نام هم بشناسم. فرمودند: ابا خالد سؤال سختی مطرح کردی و سؤالی کردی که اگر جوابش را به احدی جز تو داده بودم به تو هم می‌گفتم.] پانزدهم: روایت حمیری مروّیه در بحار الانوار، و در آخر آن این است: قلت للعمری: هل رأیت صاحبی؟ قال: نعم، وله عنق مثل ذا. و أشار ببیدیه جمیعاً إلی عنقه، قال: قلت: فالإسم؟ قال: ایاک أن تبحت عن هذا، فإنّ عند القوم أنّ هذا النسل قد انقطع. [به عثمان بن سعید عمری گفتم: آیا مولا و صاحبم را دیده‌ای؟ گفت: آری چنین گردنی داشت و کاملاً با دستهایش به گردنش اشاره کرد. گفتم: اسم ایشان؟ گفت: هرگز به دنبال [فهم] آن نباش؛ چرا که [مشهور] نزد این جمعیت چنین است که این نسل [امام حسن عسکری (ع)] قطع شده است.] شانزدهم: در کتاب بحار الانوار مروّی است که شخصی عرض کرد به عثمان بن سعید: هل رأیت صاحب الأمر؟ قال: نعم - إلی أن قال: - قلت

فالیسم؟ قال: نهیتم عن هذا. [آیا صاحب الامر(ع) را دیده‌ای؟ گفت: آری... گفتم: اسمشان چیست؟ گفت: از [دانستن] آن نهی شده‌اید]. و مخفی نماند که همه این احادیث متفقند در منع تسمیه آن حضرت فی الجمله، و اگر چه در دلالت بعضی از این احادیث بر عموم منع خدشه می‌توان کرد، چون حدیث اول و چهارم و پنجم و سیزدهم، چه آنها به عنوان خطاب مشافهه وارد شده‌اند، و منع و حرمت را نسبت به مخاطبین می‌رسانند، اما نسبت به همه اشخاص حتی موجودین در زمان غیبت محل خدشه می‌شود؛ زیرا که می‌تواند شد که تسمیه در آن زمان به جهت تقیه و خوف طلب حضرت یا وکلای او حرام باشد، و در ازمنه دیگر نباشد، یا در زمان سابق بر زمان تولد حضرت به جهت خوف انتشار و شهرت و بقای آن انتشار تا زمان حضرت ممنوع باشد، ولیکن بعد نباشد. و مانند حدیث هفتم و هشتم که تخصیص دارند به منع از تسمیه در محافل و مجامع، اما در خلوات را دلالت ندارند، ولیکن اکثر آنها دال بر عموم منع اند نسبت به همه اشخاص در همه ازمنه حتی زمان غیبت کبری، بعضی به اطلاق، چون دوم و سوم و یازدهم و پنجم به طریق دیگر روایت آن، و بعضی به تصریح، چون نهم و دهم و دوازدهم. و اختصاص بعضی به مشافهین و بعضی به جامع موجب تقيید و تخصیص آنها نمی‌شود، چه حمل مطلق بر مقید و عام بر خاص در صورت تنافی است نه توافق. و هم چنین تعلیل حرمت سؤال در روایت چهارم به این که «إذا وقع الإسم وقع الطلب» اصلاً دلالت بر اختصاص سایر اخبار هم به این صورت ندارد، چه می‌تواند شد که یکی از علل حرمت بر اهل آن زمان خوف طلب باشد، و چون آن قریب به فهم راوی بود حضرت همان علت را بیان فرموده باشند، یا چون در علل شرعیه اطراد شرط نیست، چنانچه خمر به علت اسکار قلیل و کثیر آن حرام است، پس می‌شود وجود سبب در بعضی افراد علت حرمت طبیعت شود. پس مقتضای مجموع این احادیث حرمت تسمیه آن جناب است مطلقاً، خواه در زمان حضور و خواه در زمان غیبت صغرا و کبرا. و مؤید این مطلب است آن که متبع کتب احادیث می‌بیند که زیاده از هزار حدیث است که در حق صاحب الامر وارد شده که اکثر آن در کتاب کمال الدین است، و در کتاب کافی و تهذیب و من لایحضره الفقیه و غیرها، چه در باب احوال ائمه، و چه در ادعیه، و چه در زیارات در هیچ یک از آنها مگر یکی یا دو که نوشته می‌شود تصریح به اسم سامی آن جناب نشده، و از روایت و علما احدی زبان به آن نگشوده است. پس ظاهر حرمت تسمیه آن جناب است مطلقاً، چنان که مذهب صدوق، قدس سره، است و به آن تصریح کرده است در «باب ما روی عن سیده النساء من حدیث صحیفه» از کتاب کمال الدین، و در آنجا از جابر بن عبدالله روایت کرده است که: به خدمت حضرت سیده النساء، سلام الله علیها، رسیده به جهت تهنیت تولد امام حسین، علیه السلام، دیدم صحیفه درخشنده‌ای در دست مبارک او است، عرض کردم: این صحیفه چیست؟ فرمود: در آن اسماء ائمه از ولد من است، عرض کردم. بنمای به من بینم. فرمود: یا جابر اگر نهی نشده بود می‌نمودم، ولیکن مأذونی از ظاهر آن باطن او را ملاحظه کنی، جابر می‌گوید: پس خواندم آن را، پس در آن بود أبو القاسم محمد بن عبدالله المصطفی ائمه آمنة بنت وهب، و هم چنین هر یک از ائمه را نام برده - الی أن قال: - أبو القاسم محمد بن الحسن، هو الحجة القائم أمیه جاریه اسمها نرجس. تا اینجا که فرمود: أبو القاسم محمد بن حسن همان حجت قائم است که مادرش کنیزی نرجس نام می‌باشد. بعد از نقل این حدیث صدوق می‌گوید: قال مصنف هذا الكتاب: جاء الحديث هكذا بتسمیه القائم، علیه السلام، و الذي أذهب اليه ما روی فی النهی عن تسميته. مصنف این کتاب گوید: درباره نام بردن از قائم علیه السلام چنین حدیث صادر شده و [رای ما هم] بدان سمتی متمایل است که روایات در باب نهی از نام بردن ایشان نقل شده است. و ظاهر این است که مذهب کلینی و شیخ طوسی نیز همین است، چه صاحب کافی احادیث منع از تسمیه را بلا ذکر معارض روایت کرده، و او و شیخ در کتاب صیام در باب ادعیه هر روز و شب ماه رمضان در کافی و تهذیب دعایی از برای شب قدر نقل می‌کند به این نوع که: يقول بعد تحميد الله تعالى والصلاة على النبي وآله: اللهم كن لوليك فلان بن فلان في هذه الساعة وفي كل ساعة ولياً وحافظاً و ناصراً و دليلاً و قائداً و عوناً [و عیناً] حتى تسكنه أرضك طوعاً و تمتعه فيها طويلاً. [پس از حمد خداوند متعال و صلوات بر پیامبر و خاندانشان می‌گوید: «خداوندا برای ولیت فلانی فرزند فلانی در این لحظه و تمام لحظات. سرپرست و نگهبان و یاور و راهنما و رهبر و پشتیبان و [دیده

بینا] باش تا آن زمان که او را در زمین ساکن گردانی از روی اطاعت (در حالی که او را ساکن زمین کنی که اهل زمین مطیعش باشند) و او را برای مدتی طولانی در آن بهره‌مند فرما»]. و در کتاب کافی روایتی به سند متصل از کرام از حضرت صادق (ع) به این نحو روایت نموده: ثم کشف حجاباً من الحجب فإذا خلفه محمد و اثني عشر وصياً له، أخذ بيد فلان القائم من بينهم. الحديث. [سپس یکی از پرده‌ها را کنار زد (خود پرده کنار رفت) و جانشینش محمد و دوازدهمین وصیش [نمایان شد] و در پس آن بود. دست فلانی که در میان ایشان ایستاده بود را گرفت تا انتهای حدیث]. و صاحب وافی نیز تصریح به عدم جواز کرده، چه در کتاب حجت وافی بعد از آنکه حدیثی روایت کرده و در آخر آن این است: والخازن لعلمی الحسن، و یکمل ذلك بانه (م ح م د) رحمه للعالمین. [و خزانه علم من حسن است و آن (امامت) با فرزندش محمّد که مایه رحمت برای جهانیان است کامل می‌شود]. گفته است: و انما كتب اسم الصحاب بالحروف مفردة لعدم جواز التنطق باسمه و کنیته. [همانا اسم حضرت صاحب با حروف جدا از هم نوشته می‌شود به جهت عدم جواز برای سخن گفتن به نام و کنیه ایشان]. و هم چنین فاضل محدث ملا محمد باقر مجلسی، قدس سره، در کتاب بحار الانوار بعد از ذکر بعضی از اخبار نهی از تسمیه و تحدید به این که «حتی يظهره الله» می‌فرماید: هذه التحديدات مصرحة في نفي من خص ذلك بزمان الغيبة الصغرى تعويلاً على بعض العلل المستنبطة والاستفادات الوهمية. انتهى. [این تهدیدها (حد گذاریها) صراحت در نفی کسانی دارد که این موضوع (نهی از نام بردن از آن حضرت) را براساس بعضی علت‌های استنباط شده (توسط خود شخص) و برداشتهای وهمی مختص به زبان غیبت صغرا دانسته‌اند]. بلکه محتمل است که مذهب اکثر علما بلکه همه ایشان این باشد، بلی دیدم که شخصی این مطلب را از بعضی از اجلّه علمای معاصرین، طاب ثراه، سؤال نموده، او در جواب فرموده که: اخبار در منع تسمیه آن جناب بسیار است، و لیکن آنچه از سایر اخبار مستفاد می‌شود این است که این از راه تقیه است در زمانهای اوایل تولد آن جناب و از منته متقاربه آن از زمانهای غیبت، چون همیشه فراعنه از اعداء آل محمد (ص) در اطفاء نور الهی می‌کوشیدند، و در بعضی اخبار تصریح شده به تحریم ذکر اسم به این که در نزد سلطان چنین محقق شده که امام حسن عسکری (ع) از دنیا رفت و اولادی از او باقی نماند، پس هر گاه اسم او را ببرید او در طلب خواهد بود و الحاصل وجه منع ظاهراً همین است، و اما در امثال این زمان ظاهراً منعی از برای آن نمی‌دانم، و اگر ظاهراً تصریح به اسم نشود و اکتفاء به لفظ حجت بشود احوط خواهد بود. انتهى کلامه، رفع مقامه. و مخفی نماند که آنچه را فرموده که از سایر اخبار مستفاد می‌شود آن است که از راه تقیه است اشاره است به حدیث چهارم، و دانستی که آن دلالت بر اطلاق را نمی‌کند، و تخصیص مطلقات را نمی‌دهد، بلکه چاره مصرّحات نمی‌کند، و مانع منحصر در تقیه بر آن حضرت نیست، بلکه تقیه بر شیعیان نیز مانع است، و هم چنین استهزاء و سخریه به ایشان هم چنان که بعضی از اعداء آل محمد و ملاعین ایشان در قصیده‌ای که در استهزاء بر شیعه گفته می‌گوید: ما آن للسرّادب أن یلد الذی سمّیتوموه بزعمکم انساناً تیراً لکم و علی عقولکم العفا ثلثتم العنقاء والغیلانا [گاه آن نشده که سرداب آنکه را به زعم خویش انسان می‌پندارید بزیاید. وای بر شما و عقلهای بی‌خاصیتتان که عنقا و غیلان را سه تا کردید]. و ملعون از حضرت خضر و الیاس فراموش کرده که خود آن ملاعین به وجود ایشان قائلند. و مانع کلی از تسمیه آن جناب بغض و عداوت اعداء است نسبت به او، چه این سبب سوء ادب ایشان می‌شود، و به این علت تصریح فرموده حضرت امام جعفر صادق (ع) در منع ذکر علی و فاطمه چنانچه در کتاب کافی به سند متصل از عبسه منقول است از ابی‌عبدالله (ع) که فرمود: یا کم و ذکر علی و فاطمه، فانّ الناس لیس شیء أبغض إلیهم من ذکر علی و فاطمه. [از علی و فاطمه یاد نکنید چرا که نزد مردم مبغوض‌تر از یاد علی و فاطمه نیست]. [...] بلی چیزی که موهم جواز ذکر اسم آن جناب می‌شود دو حدیث است که در آن تصریح به اسم سامی او شده: یکی، حدیث صحیفه که گذشت، دوم، حدیثی که در کتاب کمال‌الدین از مفّضل بن عمر از حضرت صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: یا مفّضل! الإمام من بعدی ابنی موسی من خلفه... المأمون المنتظر محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی. [ای مفّضل! امام پس از من فرزندم موسی است و پس از او... امنیت یافته (مأمون) و انتظار کشیده شده (منتظر) محمد بن حسن بن علی بن موسی است]

پاورقی

- [۱] الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۴، ص ۱۷۸.
- [۲] همان، ج ۱۸، ص ۲۳.
- [۳] ترجمه روایات متن کلاً از واحد پژوهش موعود است.
- [۴] منظور از لفظ «ناس» در روایات، گاهی عامه مردم و گاهی اهل سنت است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

